

جلوه‌های ادبی در متن وقف‌نامه‌ی قنات و باغ دولت‌آباد

حمیدرضا امیری کمال‌آباد^۱، زهرا علایی تفتی^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد ایران‌شناسی، دانشگاه میبد

^۲ کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه یزد

چکیده

یزد، در تمام دوره‌ی زندیه به‌دست محمدتقی‌خان اداره می‌شد. وی تا سال اول سلطنت فتحعلی‌شاه قاجار بر حکومت یزد باقی ماند و بناهای عام‌المنفعه‌ی فراوانی ایجاد کرد، از جمله باغ دولت‌آباد، میدان خان، بازار قیصریه و باغ دولت‌آباد در سال ۱۱۶۰ هجری قمری ساخته شد، این بنا یکی از آثار تاریخی فرهنگی، و از جاذبه‌های منحصر به‌فرد گردشگری به حساب می‌آید؛ و در فهرست آثار جهانی یونسکو به ثبت رسیده است.

در سال ۱۲۱۳ هجری قمری وقف‌نامه‌ی باغ دولت‌آباد به‌قلم آقا سید احمد اردکانی که از فضلالی دوران بود، نوشته شد. نثر این وقف‌نامه در برخی از بخش‌ها گاه یادآور نثرهای فنی و مصنوع پیشین مانند تاریخ و صاف است، و گاه کلام آهنگین و موزونش گوشه‌هایی از گلستان سعدی را در ذهن تداعی می‌کند. در این مقاله ضمن معرفی مختصر مجموعه‌ی باغ دولت‌آباد، متن وقف‌نامه‌ی آن به‌لحاظ سبک نگارش، ویژگی‌های لفظی و معنوی، و آرایه‌های ادبی بررسی و نگارنده‌ی آن معرفی شده است.

واژه‌های کلیدی: یزد، وقف‌نامه، باغ دولت‌آباد، آقا سید احمد اردکانی، آرایه‌های ادبی.

مقدمه

وقف و انفاق از جایگاه مهمی در طول تاریخ برخوردار بوده است. دین و هم‌چنین اوضاع سیاسی و جریان‌های اجتماعی از مهم‌ترین عوامل حیات وقف به‌شمار می‌آید؛ به‌گونه‌ای که گاه باعث رواج و رونق آن و گاه باعث ایستایی و رکود آن می‌شود. وقف‌نامه‌ها علاوه بر اهمیتی که از حیث شرعی و مذهبی دارند، گنجینه‌ی ارزشمندی از میراث فرهنگی، آداب و رسوم، مباحث تاریخی، جغرافیایی، و جنبه‌های ادبی و هنری به‌شمار می‌آیند؛ و یکی از اصیل‌ترین منابع پژوهشی برای تاریخ و فرهنگ‌اند. این اسناد از یک‌سو می‌توانند به عنوان منبع دست اول، به‌تنهایی تجزیه و تحلیل شوند، و از سوی دیگر می‌توانند در سازوکار نتیجه‌بخشی تحقیقات دیگر نقش ایفا کنند. (عرفان‌فر، ۱۳۸۷: ۷)

از دوران قاجار تاکنون برخی از وقف‌نامه‌های یزد مورد توجه نویسندگان، قرار گرفته‌اند. برخی بازنویسی شده‌اند و بعضی مورد بررسی جزئی‌تر قرار گرفته‌اند. از آن جمله‌اند:

«جامع الخیرات»: وقف‌نامه‌ای است نسبتاً قطور که در آن به موقوفات سید رکن‌الدین و فرزندش سیدشمس‌الدین از رجال قرن هشتم هجری قمری در یزد پرداخته شده و به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه و ایرج افشار به چاپ رسیده (۱۳۴۱) و درباره‌اش چند پژوهش انجام شده است.

«کتابچه‌ی شرح موقوفات یزد»: تألیف میرزا عبدالوهاب طراز یزدی است که سال ۱۲۵۷ از تدوین آن فارغ آمد. متن آن را ایرج افشار در جلد دهم «فرهنگ ایران‌زمین» به چاپ رسانده است. (۱۳۴۱)

«جامع جعفری»: تألیف محمدجعفر منشی نائینی (اصفهانی) متخلص به «طرب» که در سال ۱۲۴۵ به شرح حوادث تاریخی یزد پرداخته؛ و به کوشش ایرج افشار به زیور طبع آراسته شده است. (۱۳۵۳)

«یادگارهای یزد»: نوشته‌ی ایرج افشار است. در این کتاب دو جلدی که به معرفی آثار تاریخی یزد پرداخته شده، وقف‌نامه‌ی برخی از آثار تاریخی یزد ذکر گردیده است. (۱۳۵۳)

«یادگار ماندگار»: کتابی است شامل متن تعدادی از وقف‌نامه‌های یزد که به همت محمدرضا تصدیقی تهیه و تدوین گردیده است. (۱۳۸۰)

«فهرست اسناد موقوفات ایران»: دفتر پنجم آن در دو جلد اختصاص به یزد دارد؛ و به همت محمدجواد عرفان‌فر تدوین گردیده است. (۱۳۸۷)

«حیات جاوید»: مجموعه‌ی اسناد موقوفات شهرستان میبد است. پژوهش و تدوین این کتاب دو جلدی بر عهده‌ی محمدجواد عرفان‌فر بوده است. (۱۳۸۳)

علاوه بر این‌ها مقالاتی هم نگاشته شده که در آن‌ها به صورت جزئی‌تر به وقف‌نامه‌های یزد پرداخته‌اند؛ مانند مقاله‌ی «پیشینه‌ی اجتماعی و اقتصادی خوانین یزد» نوشته‌ی نوبو آکی کندو، و نیز «گزیده‌ای از مصارف خواندنی در متون وقف‌نامه‌های استان یزد» با پژوهش محمدجواد عرفان‌فر. (عرفان‌فر، ۱۳۸۷: ۷) «نقش وقف‌نامه‌ی قنات باغ دولت‌آباد یزد در مدیریت پایداری قنات» از دیگر پژوهش‌هایی است که با بهره‌گیری از وقف‌نامه‌ی مذکور، دانش سنتی مدیریت منابع آبی و اکاوی و سیر تاریخی قنات دولت‌آباد رصد، و نقش وقف‌نامه در مدیریت آن تبیین گردیده است. (یزدانی و سمسار یزدی: ۱۳۹۰)

وقف‌نامه‌ی قنات و باغ دولت‌آباد یکی از نمونه‌های شاخص و برجسته‌ی اسناد تاریخی است که نگارنده‌ی آن - آقا سید احمد اردکانی - به شیوه‌ی هنرمندانه‌ای موقوفه و شرایط آن را معرفی کرده است؛ و با کلام فصیح و لحن آهنگین خود اثری فاخر خلق نموده و با لطافت و ظرافت یادگاری ماندگار به جای گذاشته است. متن این وقف‌نامه را محمدجعفر بن محمدحسین نائینی در کتاب جامع جعفری بازنویسی کرده؛ و عیناً در کتاب یادگارهای یزد نیز نقل شده است. دو کتاب مذکور چنان که پیش از این اشاره شد به همت ایرج افشار چاپ و منتشر شده است.

آقا سید احمد اردکانی در توصیف عمارت سردر باغ دولت‌آباد جملاتی دارد که باید عین همان عبارات در توصیف قلم خودش وام ستانده شود: «تا کسی به دیده‌ی دقت آن را تماشا نکند کما هو حقّه به کمال آن نمی‌رسد و تا صاحب ذهن ثاقب در محاسن آن تأمل وافر نکند تمام حُسنش را نمی‌فهمد.» (افشار، ۱۳۷۴: ۷۴۱)

معرفی باغ دولت‌آباد

باغ دولت‌آباد در محله‌ای به همین نام در شهر یزد واقع شده است؛ به عبارت دقیق‌تر نام محله مأخوذ از قنات و باغ دولت‌آباد است. این محله از شمال به محلات نصرآباد، شیخداد، و باغ صندل، و از جنوب به محله‌ی کوچه بیوک، و از شرق به محله‌ی چهارمنار و از غرب به محله‌ی سید صحرا محدود می‌شود.

پیشینه‌ی باغ دولت‌آباد به سال ۱۱۶۰ هجری قمری (دوره‌ی زندیه) باز می‌گردد؛ بانی آن محمدتقی‌خان مشهور به خان بزرگ از سر سلسله‌ی خوانین یزد است. (افشار، ۱۳۷۴: ۷۲۹) این باغ یکی از نمونه باغ‌های بزرگ ایران و در ردیف باغ فین کاشان و باغ شاهزاده ماهان است. (خادم‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۲۶) و در شمار یکی از باغ‌های ایرانی است که در فهرست آثار جهانی یونسکو به ثبت رسیده است. عناصر تشکیل دهنده باغ عبارتند از: عمارت سردر جنوبی، شترخان، اصطبل‌ها، عمارت حرم‌سرا، عمارت هشتی و بادگیر، آشپزخانه، اطاق‌های خدمه، عمارت بهشت‌آیین، عمارت تالار آئینه، عمارت تهرانی، عمارت سردر اصلی، و آب‌انبار دو دهانه. «بادگیر باغ دولت‌آباد با ارتفاع بیش از ۳۳ متر بلندی از زمین، شاه‌کار مهندسی و نشانه‌ی نبوغ و توانمندی فکر و دست معماران یزدی است... باغ دولت‌آباد به لحاظ هنر بُستان‌پیرایی، فن توزیع آب و غنای طراحی معماری از مجموعه‌های دیدنی کشور محسوب می‌شود.» (اولیاء، ۱۳۷۵: ۱۵۴ و ۱۵۵) بادگیر این باغ به عنوان بلندترین بادگیر تاریخی شناخته شده، معرفی شده است. (توگلی، ۱۳۸۳: ۴۶)

وقف‌نامه‌ی قنات و باغ دولت‌آباد در جامع جعفری

محمدجعفر متخلص به «طرب» در سال ۱۲۱۰ در شهر اصفهان متولد شد و در همین شهر پرورش یافت. «جامع جعفری» یکی از تألیفات برجسته و قابل توجه اوست که در سال ۱۲۴۵ هجری تألیف شده است. (نائینی، ۱۳۵۳: ۹) این کتاب در شرح حوادث تاریخی یزد نوشته شده است و قصد مؤلف آن بوده تا اخبار شهر یزد را پس از آن‌چه در جامع مفیدی آمده به قلم آورد. اگرچه کتاب ناقص است اما در مجلد موجود آن اخبار یزد در عصر نادری و زندی و عهد سلطنت فتح‌علی‌شاه قاجار مندرج است. «به علت آن‌که مؤلف خود در دستگاه «خوانین» یزد بود و جمعی از این خانواده به حکومت یزد رسیدند، اطلاعات بسیار تازه‌ای دارد که در هیچ کتاب دیگری مندرج نیست. به همین دلیل است که این کتاب در افواه یزدیان به «تاریخ خوانین» یا «تاریخ خانی‌ها» شهرت دارد.» (افشار، ۱۳۷۴: ۲۹) محمدجعفر نائینی متن کامل وقف‌نامه باغ دولت‌آباد را که به قلم آقا سید احمد اردکانی است در کتاب مذکور ثبت و ضبط نموده است. از دیگر تألیفات میرزا محمد جعفر، جریده منشئات، لب لباب، خزینه طرب، قواعد ترکی جغتایی، تواریخ الحسینی، و ادعیه رؤیه اهله است. (نائینی، ۱۳۵۳: ۲۱-۲۴)

ذکر احوال و آثار نگارنده‌ی وقف‌نامه‌ی باغ دولت‌آباد

آقا سید احمد اردکانی فرزند محمد از سادات عریضی است که در سال ۱۱۷۵ هجری قمری در اردکان دیده به جهان گشود. او از فقها و محدثین مشهور قرن سیزدهم هجری است که خود در پایان یکی از آثارش یعنی ترجمه‌ی محبوب القلوب به شرح زندگانی‌اش پرداخته است.

نام آقا سید احمد اردکانی در جامع جعفری در شمار دانشمندانی آمده است که به فرمایش شاهزاده محمد ولی میرزا تألیفاتی انجام داد. (نائینی، ۱۳۵۳: ۵۵۹) این آثار عبارتند از: ترجمه‌ی چهار جلد از کتاب بحارالانوار، ترجمه‌ی کتاب اکمال‌الدین و اتمام‌النعمه، ترجمه‌ی چهار جلد از جملات عوالم‌العلوم، ترجمه‌ی کتاب ارشاد مفید، ترجمه‌ی کتاب عیون اخبار الرضا، ترجمه‌ی مبداء و معاد ملاصدرای شیرازی و ... (مدرسی، ۱۳۸۴: ۱۱۳ و ۱۱۴) علی سپهری اردکانی در کتاب «نگاهی به تاریخ اردکان»

نام ۱۸ اثر را ذکر کرده است که تألیف و ترجمه‌ی آن‌ها منتسب به آقا سید احمد اردکانی است، برخی از آن‌ها عبارتند از: احوالات امام حسین(ع)، احوالات امام زمان(ع)، احوالات موسی بن جعفر(ع)، ترجمه جامع السادات نراقی، ترجمه زیارات و دعوات به فارسی، ترجمه عوالم العلوم و المعارف، ترجمه محبوب القلوب، سرور المؤمنین در احوال حضرت امیر، شجره‌الاولیاء(الانساب المشجره)، شرح اسباب نفیسی(در طب)، شرح زیارت جامعه کبیره، شرح شرایع الاسلام محقق حلی، ضیاء‌العیون(در تعزیه امام حسین)، طریقه بیضاء و... (سپهری اردکانی، ۱۳۶۴: ۱۹۷)

متن وقف‌نامه‌ی باغ دولت‌آباد بیانگر ذوق و قریحه‌ی سرشار آقا سیداحمد اردکانی است؛ و نیز «نمونه‌ی انشای آن مرحوم که دلالت بر کمال ایشان دارد در سرلوحه‌ی وقف‌نامه‌ی مدرسه‌ی شاه‌زاده موجود است: مرا بین که ببینی کمال را به کمال»(مدرسی، ۱۳۸۴: ۱۱۳)

معرفی چند وقف‌نامه‌ی ادبی در یزد

با جست‌وجویی در وقف‌نامه‌های کهنی که در دسترس ماست، می‌توان متونی را یافت که دست‌کم مقدمه‌ی آن‌ها از لحاظ فن نگارش و به‌کارگیری آرایه‌های ادبی قابل توجه است. دیباچه‌ی آن‌ها مجالی است برای هنرنمایی کاتبان و مفاخره‌ی ادبی ایشان؛ نثرشان منشیانه و آکنده از سجع و انواع آرایه‌های بدیعی است؛ و دربردارنده‌ی برائت استهلالی است که با مورد وقف تناسب کامل دارد. جملاتی از این وقف‌نامه‌ها نقل می‌شود:

بریده‌ای از دیباچه‌ی وقف‌نامه‌ی آب وقف‌آباد متعلق به آجودان باشی، والی یزد که با موضوع آب قنات تناسب دارد: «دریا دریا حمد و سپاس بی قیاس شایسته‌ی بارگاه ذی‌الجلال تواند گردید که هفت فلک افلاک در دریای جلالش خُبابی است.»(تصدیقی، ۱۳۸۰: ۳)

وقف‌نامه‌ی آقائی خلف غلام‌حسین کوچه‌بیوکی: «درود نامعدود بر آل بی‌مثالش که شهریاران کشور امامت و اورنگ‌نشینان بزم ولایت و هادی سرگشتگان بادیه‌ی غوایت می‌باشند.» (تصدیقی، ۱۳۸۰: ۲۷)

وقف‌نامه‌ی اردشیر ولد شهریار ابن رستم ساکن محله خلف خانعلی که نشان‌گر زرتشتی بودن واقف و مورد وقف است: «از کعبه تا بُتخانه و از صومعه تا آتشکده همه را روی نیاز به درگاه کارساز بنده‌نواز اوست وجود فیض‌الجودش از شریک و والد و ولد بری و عاریست...»

یکی به صومعه تسبیح‌خوان و خلوت‌جو

یکی به بادیه لبیک گوی رهپیما

یکی به ناله‌ی ناقوس آیت انجیل

یکی به بستن زَنار و خواندن وِستا

یکی در آتش سودای عشق چون هندو

یکی به حلقه‌ی زنجیر شوق چون ترسا»

(تصدیقی، ۱۳۸۰: ۱۵۳)

جایگاه اجتماعی واقف و عظمت موقوفه با نگارش ادبی وقف‌نامه تناسبی دارد؛ و طبیعتاً متمولین و خوانین و حاکمان، نگارش وقف‌نامه‌ی خود را به کاتبان به‌نام می‌سپردند. وقف‌نامه‌ی قنات و باغ دولت‌آباد نمونه‌ای است از نثرهای منشیانه؛ متنی همراه با دیباچه‌ای عربی و با به‌کارگیری آداب و القاب فراوان در معرفی واقف آن که از خوانین و بزرگان یزد است؛ و این از ویژگی‌های نثر مصنوع و متکلف است که «آن‌جا که سخن از پادشاه یا از کارهای پادشاه یا سایر بزرگان باشد، به‌عنوان احترام، سخن را متکلفانه ایراد می‌کنند. در حقیقت این تکلفات عبارت از تشبیه‌ها و یا خطبه‌هایی است که نویسندگان قدیم در آغاز کتاب چند سطر ایراد می‌کردند و بعدها در آغاز فصول نیز از آن نوع تشبیه‌های متکلفانه پیدا شد و رفته رفته در صفحه‌ای به یک

بهانه تشبیبی ساخته شد و کار این تشبیب‌ها بالا گرفت و هر جا که بهانه به دست نویسندگان می‌آمد عبارات متکلفانه و پیچیده و مسجع می‌آوردند و همچنین در مناشیر و نامه‌های درباری تشبیب‌ها طوری دراز و انبوه گردید که سرپای نامه و منشور را فروگرفت. (بهار، ۱۳۸۶: ۲۵۹)

ذکر بخشی از متن وقف‌نامه‌ی باغ دولت‌آباد

و از جمله‌ی آن‌ها باغی است موسوم به باغ دولت‌آباد که صبا از زلفِ پرتابِ بنفشه‌اش مُشکِ ناب گشوده و شُمال از جعدِ پرشکن سنبلش عبیر تر ربوده، رخسارِ خوبان از گل‌های سیرابش طراوت جوید و عارضِ مهوشان از شکوفه‌های رنگینش لطافت وام گیرد، آوازِ بلبلش هوش‌ربای اهلِ دل و صوتِ قُمری‌اش تاراج‌کنِ صبرِ عاشقِ کامل، مُعانقه‌ی عرعر و چنارش آتش‌افکنِ خاطرِ مهجوران و مُصافحه‌ی نسرين و سنبلش بر هم‌زنِ آرام محرومان، درختان میوه‌دارش چون مریم از نفعه، آبستن؛ و اطفالِ غنچه‌اش مسیحا سوا گویا و بسته‌دهن، از نشأه فرح‌افزای هوایش نرگس، بی جام، مست؛ و از فیضِ نسیمِ عنبرش میمیش بنفشه خمارآلود و باده‌پرست. اگر در هوای گل‌های آتشنیش کسی آتش‌پرست شود رواست و اگر در خدمتِ سرو پای‌نازینش نیک‌بختی کمرِ خدمت بندد به‌جا. (نائینی، ۱۳۸۳: ۳۵۳ و افشار، ۱۳۷۴: ۷۴۰)

ارکان وقف‌نامه‌ی باغ دولت‌آباد

- (۱) خطبه یا مقدمه‌ی وقف‌نامه که به زبان عربی است و با سپاس و ستایش خداوند آغاز شده و پس از آن به مدح حضرت محمد(ص) و اهل بیت آن حضرت می‌انجامد.
- (۲) بیان اهمیتِ وقف و انفاق از لحاظ شرعی همراه با آیه و حدیث
- (۳) معرفی واقف همراه با ذکر عناوین و القاب و نعوت
- (۴) ذکر موقوفات و مصارف آن
- (۵) معرفی تولیت موقوفه
- (۶) خاتمه‌ی وقف‌نامه که به زبان عربی است و بر جاری شدن صیغه‌ی شرعی وقف‌نامه تأکید دارد و با ذکر تاریخ به پایان رسیده است.

سبک نگارش در وقف‌نامه‌ی باغ دولت‌آباد

وقف‌نامه‌ی باغ دولت‌آباد به قلم آقا سید احمد اردکانی در سال ۱۲۱۳ نگارش یافت. سبک نگارش وقف‌نامه به شیوه‌ی منشیانه و نثر فنی است. از ویژگی‌های بارز و قابل توجه در این متن، ابداع تعبیرات مجازی و تصویرهای شاعرانه و آرایش کلام به انواع صنایع لفظی و معنوی است. اقتباس از آیه و حدیث و استفاده از کلمات و ترکیبات عربی به تقلید از نثر فنی به‌وفور در آن دیده می‌شود. تکرار مفاهیم واحد همراه با عبارت‌پردازی طولانی و سجع‌سازی و تعقیدات لفظی و معنوی و اطناب از مختصات قابل ذکر در آن است. بارزترین ویژگی‌های سبکی در متن وقف‌نامه چنین است:

- (۱) استفاده از آیات قرآنی در متن وقف‌نامه برای تکمیل معنای جمله: «اگر شاهد زیبایی این مدعا در جلباب انفاق فی سبیل‌الله جلوه‌گر آید و فاعل خیر خود را در زمره‌ی الذین ینفقون اموالهم باللیل والنهار داخل سازد چه مقدار خوبی بر آن خواهد افزود.» (نائینی، ۱۳۵۳: ۳۴۸)
- (۲) استفاده از احادیث عربی: «و بعد از آن به هم‌دستی رفیق توفیق در آبادی و خرابی مزرعه حُسن عمل و طول اصل کوشند و مفاد الدتیا مزرعه الاخره را کار بندد.» (نائینی، ۱۳۵۳: ۹۸)
- (۳) استفاده‌ی زیاد از ترکیبات اضافی که اغلب آن‌ها از نوع تشبیبی و استعاری هستند. اضافه تشبیبی در ترکیبات «طائر دوستی» و «خورشید ضمیر» در این بخش از وقف‌نامه، نمونه‌ای از آن است: «نه هرگز طائر دوستی مال دنیا در ساحت سینه‌ی ایشان آشیان گزیده و نه در هیچ وقت پرتو اتفاقی از خورشید ضمیرشان بر ساحت این عالم تابیده.» (نائینی، ۱۳۸۳: ۳۴۹) و

اضافه‌ی استعاری در ترکیبات «دست قضا» و «عنان سعی» در این بریده از متن وقف‌نامه: «برای کدام صاحب‌دولتی به این مثابه اسباب توفیق فراهم آمده که دست قضا عنان سعیش را به جانب اجرای این همه امور خیر کشد.» (نائینی، ۱۳۸۳: ۳۵۸)

(۴) استفاده‌ی وسیع از لغات و ترکیبات عربی: «در بیان اوصاف مرضیه‌اش همین کافی است که به عروه الوثقای ولایت علی متمسک اوست در اظهار اخلاق مرضیه‌اش همین بس است که به حبل‌المتین صورت آن نبی متوسل» (نائینی، ۱۳۸۳: ۳۵۰)

(۵) اطناب و زیاده‌گویی در بیان مطلب که بیشتر به صورت ترداد (آوردن کلمات هم‌معنی در کنار هم) است: «... و طنبی که بر بالای همان زیرزمین است در خوبی و صفا و گشادگی و بها نظیر سایر عمارات آن خرم بناست.» (نائینی، ۱۳۸۳: ۳۵۴)

(۶) تطابق موصوف و صفت در جمع بودن: «... و چهار خمس دیگر را صرف روضات عالیات عرش درجات نماید، به این نحو که در تعمیر و تزئین و روشنایی اصلی روضه مطهره و روشنایی سرای علما و صلحایی که روضات متبرکات به تلاوت کلام‌الله مشغول می‌باشند.» (نائینی، ۱۳۸۳: ۳۶۰)

(۷) صفت و موصوف مقلوب: «... و سیم آن عمارات ثلث عمارات شمالی آن دلکش فضاست که با عمارات قبلی قرینه و در حسن و زیبایی بی‌قرینه است.» (نائینی، ۱۳۸۳: ۳۵۶)

(۸) آمیختگی نظم و نثر: «اگر در هوای گل‌های آتشینش کسی آتش‌پرست شود رواست و اگر در خدمت سرو پای‌نازینش نیک‌بختی کمر خدمت بندد به‌جا فکنده سنبل تر زلف بر دوش گشاده باد نسرين را بناگوش»

(نائینی، ۱۳۸۳: ۳۵۳)

(۹) تسجیع (سجع): از ویژگی‌های متن وقف‌نامه‌ی مجموعه‌ی باغ دولت‌آباد به‌کارگیری آرایه‌ی سجع در آن است؛ که از مختصات نثر منشیه‌ای است که در سبک‌شناسی ملک‌الشعراى بهار ذیل نثرهای قرن دهم تا سیزدهم بر آن تأکید شده است. (بهار، ۱۳۸۱: ۲۵۲ و ۲۵۹) آقا سید احمد اردکانی در متن وقف‌نامه از این آرایه‌ی لفظی بسیار بهره برده است:

(الف) سجع متوازی: «سجع متوازی بدین‌گونه است که واژه‌های سجع در وزن و حرف آخر کاملاً همسان باشند.» (صادقیان، ۱۳۸۸: ۳۴) نمونه‌ی آن واژه‌های «کامل» و «شامل» در این بخش از وقف‌نامه: «کف دریا نوالش محتاجان را کامل است و همت بحر مثالش غنی و فقیر را شامل» (نائینی، ۱۳۸۳: ۳۵۰)

(ب) سجع متوازن: «سجع متوازن، سجوی است که در آن کلمات پایانی قرینه‌ها تنها در وزن یکسان باشند.» (صادقیان، ۱۳۸۸: ۳۵) نمونه‌ی آن واژه‌های «اوصاف» و «اخلاق»، و هم‌چنین کلمات «متمسک» و «متوسل» در بخشی از وقف‌نامه: «در بیان اوصاف مرضیه‌اش همین کافی است که به عروه‌الوثقای ولایت متمسک است و در اظهار اخلاق مرضیه‌اش همین بس است که به حبل‌المتین آل نبی متوسل» (افشار، ۱۳۷۴: ۷۳۸)

(ج) سجع مطرف: «هرگاه واژه‌های همسان در سجع تنها در حرف آخر همانند باشند و از نظر وزن مختلف، آن را سجع مطرف می‌خوانند.» (صادقیان، ۱۳۸۸: ۳۵) نمونه‌های آن را در «جاه و گناه» و نیز «سنت و شریعت» در این بخش از وقف‌نامه می‌بینیم: «آن‌چه در آخرت شفیع گناه و در دنیا موجب مزید جاه می‌تواند بود احیای مراسم سنت و اقامه‌ی احکام شریعت است که حصول غیرجسیم و اجر عظیم نزد ملک قدیم به آن منوط است.» (نائینی، ۱۳۸۳: ۳۴۸)

(۱۰) جناس: «جناس یا تجنیس آرایه‌ای است شامل آوردن دو لفظ در کلام که در ظاهر به یک‌دیگر همانند و در معنی مختلف باشند.» (صادقیان، ۱۳۸۸: ۴۹)

(الف) جناس تام: «جناس یا تجنیس تام آن است که دو واژه‌ی متجانس از نظر حروف و حرکات و وزن کاملاً همانند و از حیث معنی متفاوت باشد.» (صادقیان، ۱۳۸۸: ۴۹) مانند به‌کارگیری واژه‌های «ساباط» در این بخش از وقف‌نامه: «... و علاوه بر آن‌ها ساباطی بلندآساس که رشک‌فرمای شهر ساباط می‌تواند بود در همان مکان بنا شده است.» (نائینی، ۱۳۸۳: ۳۵۸) که ساباط اول یکی از عناصر معماری باغ دولت‌آباد است و ساباط دوم نام شهری است در ده فرسنگی خجند و بیست فرسنگی سمرقند، با آب‌های روان و باغ‌ها و بوستان‌های فراوان.

ب) جناس زاید: «جناس زاید یا افزایشی آن است که در آغاز یا پایان یکی از دو کلمه‌ی متجانس، یک حرف بیش از دیگری باشد.» (صادقیان، ۱۳۸۸: ۵۶) مانند «اجل» و «عاجل» در این بخش از وقف‌نامه: «و چون در نظر آن باذل دریادل نفع اجل بر نفع عاجل راجع بود.» (افشار، ۱۳۷۴: ۷۳۹)

ج) جناس مطرف: «هرگاه دو پایه‌ی جناس در حرف اول یا آخر مختلف باشد، آن را جناس مطرف یا یک‌سویه می‌گویند.» (صادقیان، ۱۳۸۸: ۵۸) مانند «دیبا» و «زیبا» در این بخش از وقف‌نامه: «مادام که دست توفیق قامت قابلیت بختیاری را به طراز دیبای زیبای سعادت دو جهانی نیاراید قابل هم آغوشی آن شاهد رعنا نیست.» (نائینی، ۱۳۸۳: ۳۴۹)

د) جناس اشتقاق یا اقتضاب: جناس اشتقاق به این معنی است که کلمه‌ی بیاورند که میان حروف آن‌ها تجانس و تشابه باشد؛ خواه واژه‌ها از یک ریشه باشند، خواه نباشند. (صادقیان، ۱۳۸۸: ۶۴) واژه‌های «باسط» و «بساط» در وقف‌نامه از آن نمونه است: «و دیگر از عمارات احدائی معمار همّت آن باسط بساط عدل و احسان سه عمارت است...» (نائینی، ۱۳۸۳: ۳۵۵)

ه) جناس مزدوج یا مکرر: «جناس مزدوج یا مکرر که آن را دوگانه هم خوانده‌اند؛ بدین‌سان است که دو پایه‌ی جناس در پایان سخن در کنار هم قرار می‌گیرند.» (صادقیان، ۱۳۸۸: ۶۳) مثلاً هم‌نشینی کلمات «منظر» و «نظر» در این قسمت از وقف‌نامه: «اگر سنّمّار بنا کشته نشده بود و این بنا را می‌دید خود از رشک می‌مرد و نعمان منذر اگر بر آن منظر نظر می‌افکند نام سدیر و خورونق نمی‌برد.» (نائینی، ۱۳۸۳: ۳۵۴) همراهی واژه‌ی «منذر» جناس دیگری را هم ایجاد کرده است.

و) جناس لفظی: «جناس لفظی یا لفظی بدین‌صورت است که دو کلمه‌ی متجانس در تلفظ یکسان ولی در نوشتن مختلف باشند.» (صادقیان، ۱۳۸۸: ۶۰) مانند کلمات «عمل» و «امل» که البته جناس مطرف نیز محسوب می‌شوند: «و بعد از آن به هم‌دستی رفیق توفیق در آبادی و خرابی مزرعه‌ی حسن عمل و طول امل کوشند.» (نائینی، ۱۳۸۳: ۳۴۹)

۱۱) تضاد (طباق): «خرد و بزرگ و پیر و برنا منطقه متابعت و انقیادش را بر میان جان استوار ساخته ، دعای بقایش بر زبان صغیر و کبیر جاریست و مهر و وفایش در دل پیر و جوان ساری.» (نائینی، ۱۳۸۳: ۳۵۰)

۱۲) مراعات نظیر: «رعنایی سروش دل از صنوبر ربوده و شادابی سفیدارش بر گلبرگ طری زبان طعن گشوده، چنارش مصداق اصلها ثابت و فرعها فی السماء و سرخ‌بیدش شبیه عروسان دست و پا در حنا.» (نائینی، ۱۳۸۳: ۳۵۵)

۱۳) تلمیح: «اگر سنّمّار بنا کشته نشده بود و این بنا را می‌دید خود از رشک می‌مرد و نعمان منذر اگر بر آن منظر نظر می‌افکند نام سدیر و خورونق نمی‌برد.» (نائینی، ۱۳۸۳: ۳۵۴) که اشاره دارد به روایتی در متون کهن که سنّمّار بنا معمار مشهوری بود و کاخ خورونق را به دستور نعمان برای بهرام گور ساخت؛ اما پس از اتمام کار از بالای کاخ به زمین افکنده می‌شود تا مبادا نظیر آن را برای دیگران بسازد.

۱۴) مبالغه: نویسنده‌ی وقف‌نامه‌ی قنات و باغ دولت‌آباد با همانند نمودن پنج رشته قنات تقی‌آباد و دولت‌آباد و باقرآباد و بغدادآباد و مهدی‌آباد با شط‌العرب خواننده را تحت تأثیر خود قرار داده است: «خلاصه آن پنج رشته که بر انهار کمأ و کیفأ زیادتی دارند مانند حواس خمسه و حس مشترک بر یک مجرا که فی‌الحقیقه نمونه‌ی شط‌العرب است ریخته...» (نائینی، ۱۳۸۳: ۳۵۲)

۱۵) تشبیه تفضیل؛ در این مثال عدل محمدتقی‌خان (واقف) برتر از اعتدال فروردین و خلّش بهتر از نسیم اردیبهشت است: «عدلش بر اعتدال فروردین خرده گرفته و خلّش بر نسیم اردیبهشت خنده زده.» (نائینی، ۱۳۸۳: ۳۵۰)

۱۶) تصویرهای مجازی (تصویر شاعرانه در نثر): «از عکس سبزه زبرجد فامش سنگ‌ریزه‌ی بلورین انهار به رنگ زمرد نماید و از شعاع گل‌های رنگینش رنگ الماس‌گون هامون یاقوت رنگ به نظر آید.» (نائینی، ۱۳۸۳: ۳۵۶)

۱۷) آهنگین بودن کلام: فراوانی آرایه‌های سجع و جناس متن وقف‌نامه را موزون و آهنگین کرده است. مانند کلمات «قناتی»، «آبی»، «گاهی»، «وادی»، «ماهی»، و «چاهی» در این عبارت از وقف‌نامه: «سیوم باقرآباد است و آن در اصل قناتی بود بسیار جزئی واقع در دامن کوه مذوار که قلیل آبی از آن گاهی به کام لب‌تشنگان آن وادی از مرغ و ماهی می‌رسید.» (نائینی، ۱۳۸۳: ۳۵۲)

۱۸) ذکر نعت و صفت برای ممدوح: بخش قابل توجهی از وقفنامه‌ی باغ دولت‌آباد با مصروف القاب متنوع و صفات متعدّد برای واقف شده، و کاتب معرفی وی را با اطناب انجام داده است؛ تا آن‌جا که می‌توان یکی از ارکان این وقفنامه را معرفی واقف در قالب مدح دانست. این تنها چند سطری از آن است: «قدردان جوهر خردمندان و قیمت‌شناس گوهر بلندهمتّان، خردآرای بخردنواز، دوست‌پرور دشمن‌گداز، مؤسس قوانین نصف و عدالت و مرتبت، براهین عظمت و جلالت، امیرکبیر درویش نهاد، خان والاشأن شوکت و رفعت بنیان، در درج بر و مه برج احسان، سپهر مکارم محمدتقی‌خان ایدلله اعوان حضرته و ابد ایام دولته که همگی همّت را بر اجرای احکام شریعت گماشته و تمامی نهضت را در احیای مراسم سنت مصروف داشته‌اند.» (نائینی، ۱۳۸۳: ۳۵۱)

۱۹) واج آرایی؛ تکرار حروف «ل» و «ج» در این عبارت نمونه‌ای از آن است: «چون در نظر آن باذل دریا دل نفع اجل بر نفع عاجل را جمع بود.» (نائینی، ۱۳۸۳: ۳۵۳)

۲۰) استفاده از اصطلاحات علم معماری: از آن‌جا که آقاسیداحمد اردکانی در وقفنامه‌ی باغ دولت‌آباد به معرفی عناصر معماری آن مجموعه پرداخته است، می‌توان واژگان معماری بسیاری را از متن وقفنامه استخراج نمود. از آن جمله است: «هشتی»، «عمارت سردر»، «میدان جلوخان»، «طهرانی»، «مصنعه»، «ساباط»، «دیوان‌خانه»، «کلاه‌فرنگی»، «اطاق‌های ارسی»، «فخر مدین»، «بهاربند»، «بادگیر» و... مثلاً: «با وجود اطاق‌های اُرسی‌اش کلاه‌فرنگی بی‌نمود و در مقابل اساس طهرانی‌اش فخر مدینی بی‌وجود.» (نائینی، ۱۳۸۳: ۳۵۸)

نتیجه‌گیری

در بررسی و شناخت سبک نگارش وقفنامه‌ها و هم‌چنین مقایسه‌ی متون کهن و جدید آن‌ها در می‌یابیم که بسیاری از وقفنامه‌ها تنها به بیان ساده‌ی محتوا و مقصود محدود نشده‌اند؛ بلکه برخی با اطناب و تکلفات و آرایش‌های لفظی و معنوی همراهند. جایگاه اجتماعی واقف و مال و مکنّت او در ارزش ادبی این وقفنامه‌ها بی‌تأثیر نیست. به عنوان مثال وقفنامه‌ی قنات و باغ دولت‌آباد به قلم آقا سید احمد اردکانی که در سال ۱۲۱۳ هجری قمری به نگارش درآمد. متن این سند تاریخی سرشار از جملات مسجع و عبارات متکلفانه است و نمونه‌ای از نثر فاخر و فنی آن دوران به‌شمار می‌آید. این وقفنامه به لحاظ ادبی از همان ارزشی برخوردار است که باغ دولت‌آباد به لحاظ معماری.

منابع

۱. افشار، ایرج، ۱۳۷۴، یادگارهای یزد، ج ۲، چاپ دوم، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی
۲. بهار، محمدتقی، ۱۳۸۶، ج ۳، چاپ دوم، سبک شناسی یا تاریخ تطوّر نثر فارسی، تهران، زوآر
۳. تصدیقی، محمدرضا، ۱۳۸۰، یادگار ماندگار، یزد، ستایش
۴. توکلی، جلال، ۱۳۸۳، چهل بنا، یزد، نوگستر
۵. رستگار فسایی، منصور، ۱۳۸۰، انواع نثر فارسی، تهران، سمت
۶. عرفان‌فر، محمدجواد، ۱۳۸۷، فهرست اسناد موقوفات ایران، ج ۵، یزد، اداره اوقاف و امور خیریه استان یزد، عرشیان
۷. نائینی، محمدجعفر، ۱۳۵۳، جامع جعفری، به کوشش ایرج افشار، تهران، انجمن آثار و مفاخر ملی
۸. اولیاء، محمدرضا، ۱۳۷۵، هنر و معماری سنتی یزد، یزد نگین کویر: مجموعه اطلاعات و راهنمای سیاحتی، انجمن کتابخانه‌های عمومی یزد
۹. یزدانی، کرامت و علی‌اصغر سمساریزدی، ۱۳۹۰، نقش وقفنامه قنات دولت‌آباد یزد در مدیریت پایداری قنات؛ همایش بین‌المللی دانش سنتی مدیریت منابع آب، یزد، مرکز بین‌المللی قنات و سازه‌های تاریخی آبی، <http://www.civilica.com/Paper-TKWRM-1-171.html>